

اماکن و آثار



تحقیقی پیرامون شعب اَبی طالب

سید علی قاضی عسکر

درهٔ سلاخ‌ها به روزگار جاهلی گورستان
قرار داشته و کثیر بن کثیر دربارهٔ آن
گورستان چنین سروده است:

کم بذاک الحجون من حی صدق

وکهول اعفة و شباب

«در این حجون چه بسیار دوستان راستین از

جوانان و پیران پاکدامن در گور آرمیده‌اند»^۲

ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر - ص -

دربارهٔ این گورستان فرموده است: «این

گورستان مردم مکه، چه نیکو گورستانی

است»^۳.

در ابتدای خیابان حجون، گورستانی
وجود دارد که در گذشته آن را «مقبرهٔ
معلاة» می‌نامیدند و هم اکنون در میان اهل
مکه به «جنة المعلاة»^۱ و در بین ایرانیان به
«قبرستان ابوطالب» معروف است.

ازرقی (م ۲۵۰ ه. ق) در اخبار مکه،

پیشینهٔ تاریخی آن را اینگونه بیان می‌کند:

در حجون گردنه‌ایست که از محل

نخلستان عوف و از کنار دو قناتی که بالای

خانه معروف به «مال الله» است می‌گذرد و

تا درّه سلاخ‌ها می‌رسد. در دامنه آن، در

دیگری نزدیک مسجدالحرام واقع شده است.

آنچه را که در این سطور خواهید خواند دلائلی روشن و قطعی در اثبات این مدّعاست.

شِعْب در لغت:

در لسان العرب آمده است:

«وَالشَّعْبُ» (بِالْكَسْرِ) مَا انْفَرَجَ بَيْنَ جَبَلَيْنِ وَقِيلَ: هُوَ الطَّرِيقُ فِي الْجَبَلِ وَالْجَمْعُ «الشَّعَابُ». «شِعْب» (به کسر شین) شکاف بین دو کوه را گویند. به راه کوهستانی نیز گفته شده است. جمع آن «شعاب» می باشد.^۵

جوهری (م ۳۹۳ هـ. ق) در صحاح می نویسد:

«وَالشَّعْبُ» (بِالْكَسْرِ) الطَّرِيقُ فِي الْجَبَلِ وَالْجَمْعُ «الشَّعَابُ».

«شِعْب» (به کسر شین) راه در کوه را گویند، جمع آن نیز «شِعَاب» است.^۶
فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ هـ. ق) در مجمع البحرین می نویسد:

«شِعْب» (به کسر شین) راه در کوه را گویند جمع آن «شِعَاب» مانند کِتَاب است.^۷

در فرهنگ معین نیز آمده است:

دره‌ای که این گورستان در آن قرار دارد به نام «شِعْبِ ابی دُبِّ» معروف است ازرقی از پدر بزرگش و او از زنجی نقل می کند که:

مردم مکه در دوره جاهلی و آغاز اسلام، مردگان خود را در درهٔ ابسی دُبِّ^۴ - که بخشی از حَجُون است تا درهٔ صَفی؛ یعنی صَفَى السَّبَاب و در دره‌ای که پیوسته به گردنهٔ مدینین است و امروز این بخش، گورستان مردم مکه است - دفن می کردند، پس منطقه گورستان بالاتر کشیده، و پیوسته به کوه و گردنه اذآخر و کنار محوطه خِرْمَان شد. مکان امروز آن نیز در ابتدای شارع «حَجُون» است.

حجاج و زائران محترم بیت الله الحرام همه ساله پس از انجام اعمال عمره و یا حج، کنار این قبرستان آمده و مدفونین در آن، از جمله حضرت خدیجه - علیها سلام - ابوطالب و... را زیارت می کنند.

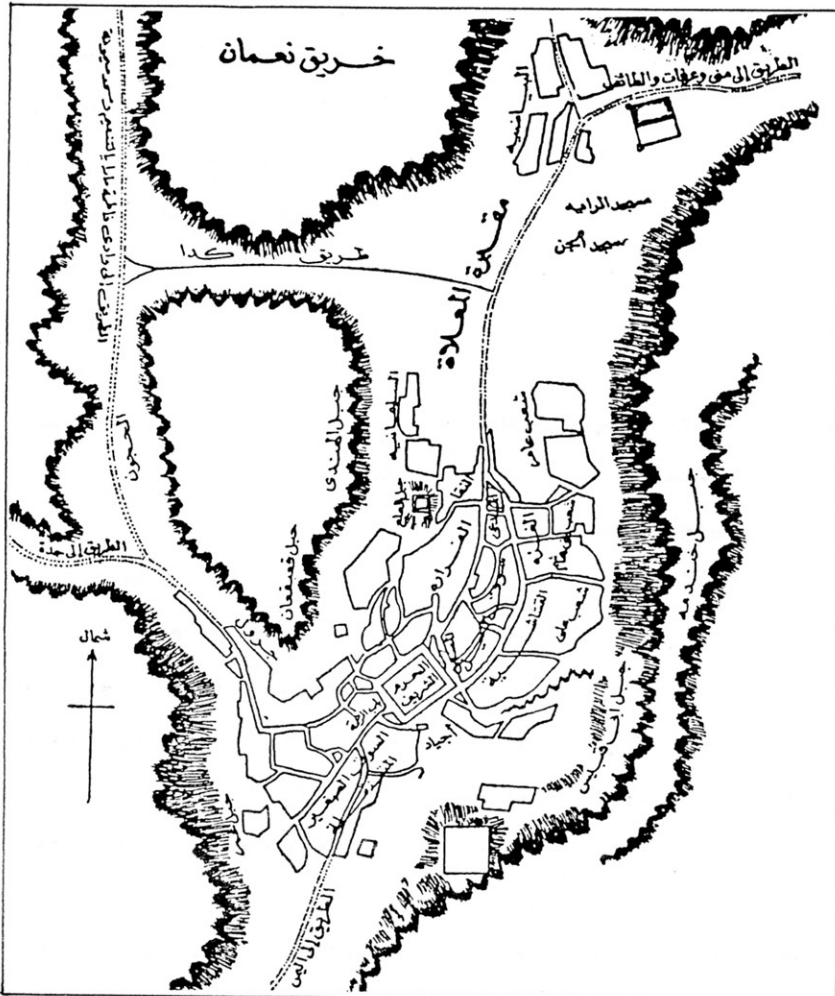
از گذشته تاکنون این قبرستان به نام «شِعْبِ ابی طالب» - همان مکانی که رسول خدا - ص - و ابی طالب و همراهانشان حدود سه سال توسط مشرکان محاصره و مورد تحریم اقتصادی قرار گرفتند - نیز به مردم معرفی شده که از لحاظ تاریخی نادرست بوده، و شِعْبِ ابی طالب در مکان

محل زندگی قبائل مختلف بوده است. در نزدیکی مسجدالحرام سه شعبِ نزدیک به هم وجود دارد که اسامی آنها عبارت است از: ۱- شعبِ ابی طالب ۲- شعبِ بنی هاشم ۳- شعبِ بنی عامر. اجداد و بستگان پیامبر - ص - معمولاً در این سه شعبِ زندگی می‌کرده‌اند.^۹

شعب: راهی در کوه باشد، دره.^۸

مکان شعبِ ابی طالب:

شهر مکه در یک منطقه کوهستانی قرار گرفته، و در نتیجه درون دره‌ها که از سیل مصون بوده و بصورت یک حصار طبیعی خانه‌ها را در درون خویش جای می‌داده،



شُعْبِ أَبِي طَالِبٍ در مکه معروف و شناخته شده است و آن همان مکانی است که رسول خدا - ص - و ابوطالب و دیگر بنی هاشم پس از آنکه قریش آنها را از بین خود راندند، در آنجا بودند...

آن گاه خانه‌ای محمد بن یوسف را نیز همان خانه می‌داند که رسول خدا - ص - آن را به عقیل بخشید سپس محمد بن یوسف آن را از فرزندان عقیل خریداری نمود و به خانه محمد بن یوسف شهرت یافت او در پایان می‌نویسد: این مکان با همین خصوصیات اینک نیز در مکه موجود است، و مردم آنجا را زیارت می‌کنند.^{۱۲}

خانه‌ای که پیامبر - ص - در آن به دنیا آمد

شناخت محل تولد پیامبر - ص - و نیز مکان سکونت بنی هاشم در مکه می‌تواند در شناسایی شُعْبِ أَبِي طَالِبٍ مفید باشد:

أَزْرَقِي مِي نُويسِد:

مَوْلِد، یعنی خانه‌ای که پیامبر - ص - در آن متولد شده‌اند و اکنون در خانه محمد بن یوسف برادر حجاج بن یوسف قرار دارد. هنگامی که پیامبر - ص - هجرت فرمود این خانه را عقیل پسر ابوطالب تصرف کرد

مرحوم طریحی پس از آنکه شُعْبِ را معنی می‌کند، می‌نویسد:

وَشُعْبِ ابِي طَالِبٍ بِمَكَّةَ مَكَانَ مَوْلِدِ النَّبِيِّ - ص - وَ شُعْبُ الدَّبِّ اَيْضًا بِمَكَّةَ وَ اَنْتَ خَارِجٌ اِلَى مِئِنَى.

شُعْبِ ابِي طَالِبٍ در مکه، زادگاه نبی اکرم - ص - است و شُعْبُ دُبِّ نیز در مکه در مسیر مِئِنَى قرار دارد.^{۱۰}

در مُعْجَمِ الْبُلْدَانِ ذَيْلِ «شُعْبِ أَبِي يُوسُفٍ» آمده است: آن همان دره‌ایست که پیامبر - ص - و بنی هاشم، هنگامی که قریش بر جنگ آنان هم قسم شده و نامه نوشتند، بدان پناه بردند. این دره از آنِ عَبْدِ الْمُطَّلَبِ بود، هنگامی که چشمانش کم‌سو شد آن را میان فرزندانش تقسیم کرد، پیامبر - ص - نیز سهم پدرش عبدالله را گرفت و آن محل خانه‌های بنی هاشم بود. ابوطالب گفته است:

جَزَى اللهُ عَنَّا عَبْدَ شَمْسٍ وَ تَوْفِلاً
وَتَيْمًا وَ مَخْرُومًا عَقُوقًا وَ مَائِمًا
بَتَفْرِيقِهِمْ مِنْ بَعْدُودٍ وَ الْاَلْفَةِ
جَمَاعَتَنَا كَيْمَا يَنْالُوا الْمَخَارِمَا
كَذَبْتُمْ وَ بَيْتَ اللهِ تُبْرِي مُحَمَّدًا
وَلَمَّا تَرَوْا يَوْمَ اَللّٰى الشُّعْبِ فَاْتَمَّ ۱۱

مرحوم علامه مجلسی - ره - می‌نویسد: «شُعْبِ»؛ شکاف بین دو کوه است و

خانه ابن یوسف، و دره ابن یوسف از آن ابی طالب بوده، و رسول خدا - ص - در قسمتی از همین خانه متولد گردید و این همان دره ایست که قریش بنی هاشم را در حالی که پیامبر - ص - با آنها بود، محاصره نمودند.^{۱۶}

عبدالله بن عباس نیز در همین درّه متولد شده است.^{۱۷}

محقق کتاب اخبار مکه می گوید: این دره امروز، به دره علی «شِعْبِ أَبِي طَالِبٍ» شناخته می شود.^{۱۸}

فاکهی پیشینه تاریخی خانه ابی یوسف را اینگونه بیان می کند:

برخی از مردم گفته اند: خانه ابن یوسف از آن عبدالمطلب بوده است، آنگاه حجاج برادرش محمد بن یوسف را مأمور ساخت و او آن را به صد هزار درهم خرید. سپس حجاج آن خانه را به برادرش بخشید و از او خواست آن را بسازد. وکلای محمد بن یوسف نیز آن را ساختند.^{۱۹}

باز فاکهی می گوید: پیامبر - ص - سهم خود از این خانه را به عقیل بن ایطالب بخشید.^{۲۰}

مرحوم کلینی (م ۳۲۹ هـ. ق) - قدس سرّه - می نویسد:

مادر رسول اکرم - ص - در منزل

و در همین باره و موارد دیگر است که پیامبر - ص - در حجة الوداع هنگامی که به ایشان گفته شد کجا فرود می آید؟ فرمودند مگر عقیل برای ما سایبانی باقی گذاشته است؟ این خانه همچنان در تصرف عقیل و فرزندان او بود تا آنکه فرزندان عقیل آن را به محمد بن یوسف ثقفی فروختند و او آن را ضمیمه خانه خود - که به خانه سپید معروف است - کرد، و این خانه همچنان ضمیمه آن بود تا آنکه خیزران^{۱۳} - مادر موسی و هارون خلیفگان عباسی - حج گزارد و آن را از آن خانه جدا کرد و مسجدی در آن ساخت که در آن نماز می گزارند و برای آن در کوچه ای که کنار آن است و به کوچه «مؤلد» معروف است در باز کرد. این درّه امروز به شعب بنی هاشم و شعب علی - ع - معروف است^{۱۴} و به بازاری که به آن سوق اللیل می گویند می رسد.^{۱۵}

سپس ابوالولید می گوید: از پدر بزرگم و یوسف بن محمد شنیدم که موضوع جایگاه ولادت پیامبر - ص - را ثابت و درست می دانند و می گویند همین جاست و میان مردم مکه در این باره هیچگونه اختلافی نیست.

فاکهی (م ۲۷۲، ۲۷۹ هـ. ق) می نویسد:

بخشید. و زمانی که عقیل وفات یافت محمد بن یوسف آن را از فرزندان عقیل خریداری نمود و آنگاه که خانه معروف به دار ابی یوسف ساخته می شد، خانه پیامبر ص - را نیز به خانه خود ضمیمه ساخت سپس خیزران مادر رشید آن را گرفت و از خانه ابویوسف جدا و آن رابه مسجدی تبدیل کرده که تا این زمان معروف بود، و مردم در آن نماز می خواندند و آنجا را زیارت نموده، بدان تبریک می جستند و زمانی که وهابیان بر مکه سلطه یافتند این مسجد را ویران نموده و از زیارت آن جلوگیری کردند و آنجا را محل نگهداری چهارپایان! قرار دادند. ۲۵

تقی الدین حسینی مکی (م ۸۳۲ هـ. ق)
می نویسد:

رسول خدا - ص - در مکه، در خانه محمد بن یوسف برادر حجاج ابن یوسف متولد شد. ۲۶ خانه ای که نزدیک صفا است خانه خیزران است و خانه ابن یوسف در سوق اللیل و همان مکانی است که به مؤلّد نبی اکرم معروف است. ۲۷
در سیره حلبیه آمده است:

عبدالله بن عبدالمطلب که نزدیک جمره وسطی بود* حمل برداشت وَ وُلِدَتْهُ فِي شِعْبِ أَبِي طَالِبٍ فِي دَارِ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفٍ... و در شِعْبِ ابی طالب در خانه محمد بن یوسف (وقتی داخل خانه شدی در گوشه آن خانه سمت چپ) آنحضرت را به دنیا آورد. آنگاه خیزران آن را به مسجد تبدیل کرد که مردم در آن نماز می گزاردند... ۲۲

باتوجه به صراحتی که ایشان در رابطه با شِعْبِ دارند می توان فهمید جمله: وماتت خدیجه - علیها السلام - حین خرج رسول الله - ص - من الشَّعْبِ... ۲۳ بدین معناست که حضرت خدیجه - س - پس از رفع محاصره، و آزادی رسول خدا - ص - وفات یافت.

سید محسن امین - رحمة الله علیه - در اعیان الشیعه می نویسد:

رسول خدا - ص - در خانه ای که به دار ابی یوسف معروف است متولّد گردید - و او محمد بن یوسف برادر حجاج است** - این خانه از آن رسول خدا - ص - بود که آن حضرت آن را به عقیل فرزند ابوطالب

* آمنه بنت وهب مادر گرامی پیامبر - ص - در شب جمعه از ماه رجب ۲۱ در شِعْبِ، رسول خدا - ص - را حامله شد.

** محمد بن یوسف ثقفی والی حکومت یمن بود و به ستم و دشمنی با خاندان علی بن ابیطالب - ع - شهرت داشت وی در سال یکصد یا کمی قبل از آن در یمن وفات یافت. ۲۴

می‌گزارد آن را از خانه ابویوسف جدا نموده، مسجدی در آن مکان ساخت. بنای مسجد را به زبیده همسر هارون نیز نسبت داده‌اند که در صورت صحت، تعمیر و یا تجدید بنای مسجد بوده است.^{۳۲}

البته در نقل دیگری آمده که خیزران خانه ارقم را خریده و در آن مسجدی بنا نمود^{۳۳} و چون این خانه نیز در کنار صفا بوده، برخی آن را با خانه ابویوسف اشتباه کرده‌اند.

مسعودی (۳۴۵ ه. ق) می‌نویسد:

تولد او - علیه الصلوة والسلام - هشتم ربیع الاول همان سال (یعنی سال عام الفیل) در مکه، در خانه ابن یوسف بود که بعدها خیزران مادر هادی و رشید آنجا مسجدی ساختند.^{۳۴}

و در جای دیگر می‌گوید: بسال چهل و ششم، قریشیان پیغمبر - ص - را با بنی هاشم و بنی عبدالمطلب در دره کوه محصور کردند. بسال پنجاهم او - علیه السلام - با کسان خود از دره بیرون آمد.^{۳۵}

ابن اثیر (م ۶۳۰ ه. ق) به نقل از ابن اسحاق می‌نویسد:

مکان ولادت رسول خدا خانه ایست که به خانه ابن یوسف مشهور است. آن حضرت آن را به عقیل بخشیده، و تا زمان

محل ولادت رسول خدا - ص - مکه، و در خانه ایست که به نام محمد بن یوسف - برادر حجاج - خوانده می‌شود...

محمد بن یوسف آن را به قیمت یکصد هزار دینار از فرزندان عقیل خریداری نمود و به خانه خویش ملحق ساخت و نام آن را نیز (دار البیضاء) خانه سفید نهاد؛ زیرا که آن را از گچ ساخته و اطراف آن را نیز گچ کشیده بودند و در نتیجه تمامی ساختمان به رنگ سفید بود. و از آن پس، به خانه ابو یوسف شهرت یافت.^{۲۸}

محل ولادت پیامبر - ص - را پس از مسجد الحرام برترین مکان دانسته‌اند.^{۲۹}

برخی ولادت حضرت فاطمه زهرا - س - را نیز در همین مکان می‌دانند.^{۳۰}

در فتح مکه، رسول خدا - ص - در منطقه حجون خیمه زده و وارد شهر نشدند، به آن حضرت گفته شد به منزل خودتان در شعب نمی‌روید؟ حضرت فرمود: آیا عقیل برای ما منزلی باقی گذاشته است؟^{۳۱}

این نقل تاریخی بیانگر آنست که «شعب ابی طالب» در منطقه «حجون» نبوده، بلکه در نزدیکی «مسجد الحرام» و در کنار کوه صفا قرار داشته، و خیزران مسادر هارون الرشید هنگامی که حج

یا در خانه نزدیک صفا، و یا در خانه معروف به خانه اَبو یوسف ذکر کرده اند که هر سه، یک مکان است.^{۴۱}
در کتاب سیره ساکن الحجاز آمده است:

مکان ولادت پیامبر - ص - در شِعْبِ بَنی هاشم بوده است سپس توضیح می دهد که: شِعْبِ بَنی هاشم نزد اهل مکه شناخته شده است و همه ساله مردم در آنجا اجتماع نموده، مجلس جشن بپا می کنند و بیش از آنچه تاکنون در اعیادشان مجالس جشن و شادی دارند، در آنجا مجلس شادی بپا می کنند. سپس در پاورقی کتاب از محبّ الدین طبری مکی نقل کرده که می گوید: خانه پیامبر - ص - را در زمان هجرت آن حضرت - ص - به مدینه، عقیل مالک شده. و پیوسته در دست او و فرزندان باقی ماند تا محمد بن یوسف برادر حجاج آن را خریده و در خانه خود که به «خانه سفید» نامیده می شد ملحق ساخت سپس به خانه ابن یوسف معروف گردید. این وضعیت ادامه یافت تا خیزران کنیز مهدی عباسی در آنجا مسجدی بنا نمود که در آن نماز می گزارند، و آن را از خانه ابن یوسف جدا کرده کوچهای ایجاد کرد که به آن «زقاق المولد» گفته می شود و

فوت وی در اختیار او بود، سپس محمد بن یوسف برادر حجاج آن را از فرزندان عقیل خریداری نمود و به خانه معروف به دار ابن یوسف ضمیمه ساخت، آنگاه خیزران آن خانه را از خانه ابو یوسف جدا نموده، آنجا مسجدی ساخت که در آن نماز می گزارند.^{۳۶}

طبری (م ۳۱۰ هـ. ق) نیز مکان تولد پیامبر - ص - را خانه ابو یوسف می داند.^{۳۷}

فاسی (م ۸۳۲ هـ. ق) می نویسد:
ولادت رسول خدا - ص - در مکانی در سوق اللیل که نزد مردم مکه شهرت داشته قرار دارد.^{۳۸}

محمد ظاهر کردی مکی می گوید:
ولادت رسول خدا - ص - در مکه در خانه ابی طالب در شِعْبِ بَنی هاشم بوده است.^{۳۹}

ولادت نبی - ص - در مکه در خانه ابی طالب در شِعْبِ بَنی هاشم نزدیک مسجد الحرام بوده که امروزه، شِعْبِ علی؛ یعنی علی بن ابیطالب نامیده می شود و پیوسته محل ولادت آن حضرت تا به امروز معروف و شناخته شده است.^{۴۰}

اکثر قریب به اتفاق مورّخین، مکان ولادت پیامبر - ص - را در شِعْبِ ابی طالب

تا قبل از سلطه وهابیان بر حرمین شریفین، محل ولادت رسول خدا - ص - زیارتگاه مؤمنان و مسلمانانی بود که از گوشه و کنار جهان به مکه می آمدند. ۴۷

محمد بن علوی مالکی مکی
می نویسد:

مکان ولادت رسول خدا - ص - در سوق اللیل مکانی شناخته شده است و ساکنین مکه درباره آن اختلاف نظر ندارند، هر یک از آنها از نسل قبل از خود شنیده و تردیدی در آن ندارند. ۴۸

ابن ظهیره می گوید: مردم مکه در شب ولادت رسول خدا - ص - همراه با علما و دانشمندان و بزرگان شهر با روشن نمودن فانوس و شمع از خانه های خود خارج و برای زیارت و بزرگداشت ولادت آن حضرت در کنار این خانه اجتماع می کنند. ۴۹

در کنار این خانه گودالی (حفره) بوده که روی آن را با چوب می پوشاندند و این علامت همان مکانی است که رسول الله - ص - در آنجا متولد شدند. ۵۰

ساختمان آن را ناصر خلیفه عباسی در سال ۵۷۶ و ملک مظفر در سال ۶۶۶ و دیگران تعمیر نموده اند.

در زمان ملک عبدالعزیز، شیخ عباس

هم اکنون آنجا کتابخانه عمومی است. ۴۲

محمد طاهر کردی مکی می نویسد:

ولادت پیامبر - ص - در مکه، در خانه ابی طالب، در شعب بنی هاشم و در نزدیکی مسجد الحرام بوده که امروزه به شعب علی یعنی علی بن ابیطالب نامیده می شود و پیوسته مکان ولادت آن حضرت - ص - تا امروز معروف و شناخته شده بوده است. ۴۳

صلاح الدین صفدی پس از بحث پیرامون مکان ولادت رسول خدا - ص - می نویسد: قول برتر آن است که رسول خدا - ص - در عام الفیل در خانه ای در کوچه معروف به زقاق المولد که در دست عقیل ابن ابیطالب بوده متولد گردید. ۴۴

گفته می شود که رسول خدا - ص - در شعب بنی هاشم متولد شدند، برخی گفته اند در خانه ای نزدیک صفا و... ۴۵

عاتق بن غیث بلادی می نویسد:

از نظر تاریخی مسلم است که رسول خدا - ص - تقریباً در سال ۵۳ قبل از هجرت (عام الفیل) در شعب ابی طالب که امروزه به شعب علی معروف است، به دنیا آمد و به خاطر ازدحام مردم و شوق آنان نسبت به تبرک جوئی از آن خانه، هم اینک به کتابخانه تبدیل شده است. ۴۶



ابی طالب متولد گردیده‌اند.

۲ - شَعْبِ ابی طالب در مکه مکانی نزدیک مسجدالحرام بوده و با مکانی که فعلاً در حجون به آن معروف است فاصله دارد.

محاصره پیامبر - ص - و یاران در شَعْبِ ابی طالب

محمد بن اسحاق (م ۱۵۳ هـ . ق) و دیگر سیره‌نویسان گویند، چون قریش دیدند که اصحاب رسول خدا - ص - در سرزمین حبشه در کمال امنیت و آرامش قرار دارند و نجاشی هم ایشان را گرامی

قطان (امین العاصمه المقدسه) این خانه را تخریب و در همان مکان کتابخانه عمومی که به «کتابخانه مکه مکرمه» معروف شد، بنا کرد، افراد به آنجا مراجعه و به مطالعه کتب می پرداختند. ۵۱ این ساختمان در سال‌های اخیر در طرح توسعه اطراف مسجدالحرام، در معرض تخریب قرار گرفته است. بناهای ساخته شده در محل ولادت نبی اکرم - ص - را در تصویر، ملاحظه نمائید.

از مجموع آنچه گذشت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که:

۱ - پیامبر اکرم - ص - در شَعْبِ

ذی الحجه، و عمره در ماه رجب از آنجا بیرون نمی آمدند. قریش از ورود خواری و بار به شُعْبِ جلوگیری کرده، فقط مقدار کمی بصورت پنهانی به دست محاصره شدگان می رسید که کفافشان را نمی داد. در نتیجه وضعیت سخت شد؛ به شکلی که مردم صدای گریه بچه ها را از بیرون شُعْبِ می شنیدند و این دوران سخت ترین لحظات زندگی پیامبر - ص - و اهل بیت بزرگوارش در مکه بود. ۵۳

کازرونی در مُتَّقِی و غیر آن آورده است: ... بدنبال نوشتن عهدنامه، مشرکان آزار فرزندان عبدالمطلب را آغاز نموده، اعلام کردند تنها راه سازش میان ما و شما کشتن پیامبر - ص - است، در هر کوی و برزنی مسلمانان را کتک می زدند و حق عبور از بازارها را از آنان گرفته، در شُعْبِ اَبی طالب محصورشان نمودند. فرستاده ولید بن مُعَیْره در میان قریش فریاد می زد: هر مردی از اینها را برای خرید جنسی یافتید بر قیمت آن بیافزایید. در چنین شرایطی ابوطالب فرزند برادرش (پیامبر - ص -) و فرزندان برادر و پیروان آنها را در شُعْبِ اَبی طالب گرد آورد.

آنان سه سال در شُعْبِ ماندند، سرانجام وضعیتِ بحدی برآنان سخت شد که

داشته و از آنها دفاع می کند و از سوی دیگر حمزه بن عبدالمطلب، و عمر نیز مسلمان شده اند و اسلام در قبایل آشکار می گردد، جمع شدند و به چاره اندیشی پرداختند و تصمیم گرفتند پیمان نامه ای بنویسند و متعهد شوند که از بنی هاشم و بنی مطلب زن نگیرند و به آنها زن ندهند و نیز چیزی به آنها نفروشند و چیزی از آنها نخرند. پس از اینکه جمع شدند، پیمان نامه نوشتند و بر آن جمله موافقت کردند و سپس برای تأکید، پیمان نامه را از سقف کعبه آویختند. ۵۲

مشرکان بنی هاشم را در اول ماه محرم سال هفتم بعثت تحریم کرده، اعلام داشتند هیچکس حق معامله، ازدواج و معاشرت با آنان را ندارد، نامه تنظیم شده در این زمینه را - که چهل نفر امضاء کرده بودند - شخصی به نام منصور بن عکرمه نوشت که با نفرین پیامبر - ص - دستش فلج شد. بدنبال آن تمامی بنی هاشم - مسلمان و کافر - جز ابی لهب، و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب وارد شُعْبِ شده، آنجا اجتماع کردند. فرزندان مطلب بن عبد مناف که چهل نفر بودند از شُعْبِ حراست نموده، شب و روز به نگهداری آن مشغول بودند و در طول سال جز موسم حج در ماه

گاهی نیز مردم مکه از سوی قریش تهدید می‌شدند که: اگر کسی در مکه چیزی به بنی‌هاشم بفروشد اموالش غارت می‌شود. ۵۷

ابن سعد (م ۲۳۰ هـ. ق) می‌نویسد: شب اول محرم سال هفتم بعثت، بنی‌هاشم در شِعْبِ اَبِطَالِبِ محاصره شدند و همگی - به جز اَبولهب - به شِعْبِ اَبِطَالِبِ در آمدند... ۵۸

تعدادی از محاصره شدگان از گرسنگی جان باختند. ۵۹

گاهی نیز علی بن ابی‌طالب - ع - مخفیانه از شِعْبِ خَارِجِ شده، غذا و امکانات تهیه و آن را با خود به درون شِعْبِ می‌آورد. ۶۰

مردان همراه پیامبر - ص - در شِعْبِ، حدود ۴۰ نفر بودند. ۶۱ که به شکل سازماندهی شده خصوصاً در تاریکی شب از آن حضرت حراست می‌کردند. ۶۲

حضرت خدیجه - علیها سلام - نیز که اموال فراوانی داشت، همه را برای مسلمانان محاصره شده در شِعْبِ خرج و مصرف نمود. ۶۳ یعنی در موسم حج - در ذی‌الحجه - و عمره - در رجب - که رسول خدا - ص - و یارانشان می‌توانستند از شِعْبِ خارج شوند، مقداری آذوقه و مواد

صدای فرزندان‌شان، که از شدت گرسنگی می‌گریستند، از بیرون شِعْبِ شنیده می‌شد... ۵۴

زمانی که ابوطالب احساس کرد مشرکان قریش برای کشتن رسول خدا - ص - متحد شده‌اند، فرزندان عبدالمطلب را جمع نموده، دستور داد تا رسول خدا را درون شِعْبِ خود جای دهند و از او حفاظت کنند... پس بنی‌هاشم سه سال در شِعْبِ خویش ماندند...

شب هنگام که همه به خواب می‌رفتند ابوطالب رسول خدا - ص - را از بستر بیرون برده، یکی از فرزندان یا برادران و یا پسرعموهای خود را به جای آن حضرت می‌خوابانید تا پیامبر از توطئه احتمالی دشمن جان سالم بدر برد. ۵۵

پس بنی‌هاشم به شِعْبِ ابی‌طالب که امروزه به شِعْبِ علی معروف است پناه آوردند، بنوالمطلب نیز جز اَبولهب به آنان پیوستند، شرایط در شِعْبِ به اندازه‌ای سخت شد که محاصره شدگان از برگ درختان استفاده می‌کردند... ۵۶

خدیجه اموال فراوانی داشت که همه را در شِعْبِ به نفع رسول خدا - ص - خرج نمود. بنی‌هاشم، تنها در موسم، از شِعْبِ خارج شده، خرید و فروش می‌کردند.

را بر صحیفه قریش فرستاده تا هر چه بی‌مهری و ستمگری در آن بود بجز جاهایی را که نام خدا بر آن نوشته شده، خورده است.^{۶۷}

وضعیت غم‌انگیز رسول خدا - ص - و همراهانشان در شعب، افرادی چون هشام بن عمرو را تحت تأثیر قرار داده و آنها را برای شکستن حلقه محاصره به حرکت واداشت، وی به همراه زهیر بن ابی امیه، و مطعم بن عدی، و ابوالبختری، و زمعه بن اسود بن مطلب، شبانگهان در دهانه دره حجون که از مناطق بالای مکه است قرار گذاشته، آنجا جمع شدند و پیمان بستند تا در مورد لغو پیمان‌نامه اقدام کنند.^{۶۸}

دهانه دره حجون همان جایی است که قبرستان ابوطالب قرار دارد و اگر شعب در اینجا قرار داشته و پیامبر - ص - و یارانشان نیز در این مکان تحت محاصره بوده‌اند معنی نداشت افرادی که از آنان یاد شد، مخفیگاه خود را آنجا قرار داده، و جایی اجتماع کنند که هر لحظه خطر در کمین آنها باشد. استفاده مخفیگاه از این مکان نشانگر آن است که حجون خارج و یا حداقل کنار مکه بوده است.

پاره‌ای از روایات نیز با صراحت، حجون را خارج مکه آن روز دانسته است

خوراکی تهیه نموده، و سپس در دوران محاصره از آن استفاده می‌کردند.^{۶۴}

گاهی از اوقات نیز ابوالعاص بن ربیع شتری که بارگندم و خرما داشت تا دهانه شعب آورده، سپس آن را به داخل دره هدایت می‌کرد تا بنی‌هاشم از آن استفاده نموده و تا حدودی از گرسنگی رهایی یابند.^{۶۵}

نام حکیم بن حزام نیز در شمار کسانی که آذوقه به شعب می‌فرستادند ذکر گردیده است، لیکن در صورت صحت، از آنجا که وی از محتکران زمان پیامبر - ص - بوده و از کسانی است که رسول خدا - ص - هدیه وی را نپذیرفته‌اند، شاید بتوان گفت انگیزه او منافع مادی بوده است.^{۶۶}

یعقوبی (م ۲۹۳ هـ . ق) در این زمینه می‌نویسد: قریش، شش سال پس از بعثت، رسول خدا را با خاندانش از بنی‌هاشم و بنی‌مطلب بن عبد مناف در دره‌ای که به آن «شعب بنی‌هاشم» گفته می‌شد محصور ساختند و رسول اکرم با همه بنی‌هاشم و بنی‌مطلب سه سال در شعب ماندند تا آنکه رسول خدا و نیز ابوطالب و خدیجه تمام دارایی خود را از دست دادند و به سختی و ناداری گرفتار آمدند. سپس جبرئیل بر رسول خدا فرود آمد و گفت: خدا موریانه

دره بیرون آیند و به خانه‌های خود بروند و آنان چنین کردند. بیرون آمدن ایشان از دره در سال دهم بعثت بود. ۷۰

موسی بن عقبه می‌گوید: چون خداوند متعال پیمان نامه سرپا مکر ایشان را نابود فرمود پیامبر و خویشاوندش از شِعْبِ بیرون آمدند و با مردم معاشرت کرده و میان ایشان زندگی نمودند. ۷۱

قصیده معروف شِعبیه (لامیه) را نیز ابی طالب در شِعْبِ ابی طالب سروده است و این همان شعبی است که فرزندان مطلب و هاشم همراه با رسول خدا - ص - به آن پناه بردند. ۷۲

اسامی برخی از بنی هاشم که همراه پیامبر - ص - در شِعْبِ محاصره شدند از این قرار است:

- ۱ - ابوطالب بن عبدالمطلب.
 - ۲ - علی بن ابیطالب - ع -.
 - ۳ - حمزه بن عبدالمطلب.
 - ۴ - عبیده بن الحارث بن المطلب بن عبد مناف.
- عبیده گرچه از بنی هاشم نبود لیکن به لحاظ آنکه بنی المطلب و بنی هاشم با یکدیگر متحد بوده و نه در دوران جاهلیت و نه در اسلام از هم جدا نبودند لذا می‌توان او را نیز در شمار بنی هاشم بحساب آورد.

و بر این اساس نمی‌توان گفت پیامبر - ص - و یاران و خویشاوندانشان همگی از مکه خارج و در بیرون شهر اقامت گزیده‌اند!!

عبید بن زرارة از امام صادق - ع - نقل می‌کند که فرمود: هنگامی که ابوطالب وفات یافت جبرائیل بر رسول خدا - ص - نازل شده و گفت: «یا مُحَمَّدُ أُخْرِجْ مِنْ مَكَّةَ... ای محمد از مکه خارج شو!» که در این شهر یاوری برای تو نیست. قریش نیز بر رسول خدا - ص - هجوم آوردند آن حضرت نیز ترسان بیرون شد تا به کوهی در مکه که به آن حَجون می‌گفتند رسید و آنجا ایستاد. ۶۹

ابوطالب خبر خورده شدن صحیفه را به مشرکان اطلاع داد و همراه آنان به کنار کعبه آمد و پس از گشودن آن، صحت سخن رسول خدا - ص - بر همگان پدیدار گشت. وجدان برخی انسانها بیدار شد و آنگاه که ابوطالب و همراهان به شِعْبِ بازگشتند گروهی از رجال قریش سران خود را در مورد رفتارشان با بنی هاشم سرزنش کردند و گروهی از آنان، از جمله مطعم بن عدی و عدی بن قیس و زمعه بن ابی الاسود و ابوالبختری بن هشام و زهیر بن ابی امیه، سلاح پوشیده نزد بنی هاشم و بنی مطلب رفتند و از آنان خواستند که از

که به قریش پیوست - و با آنها بر ضد مسلمانان هم سخن شد. ۷۷

رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی (م ۶۲۳ هـ . ق) می نویسد: بنی هاشم و بنی مطلب چون دیدند که قریش در عداوتِ ایشان چندان مُظَاهَرَت و مُبَالِغَت بنموده اند و چنان عهدنامه بنوشتند، ایشان نیز برخاستند و به جمعیتِ بَرِ ابوطالب آمدند و پیش وی بنشستند و با هم عهد کردند و اتفاق بنمودند که نُصْرَت و مُعَاوَنَت سَیِّد - علیه السلام - دهند و حَظْمِی قریش کنند و در جملهٔ احوال آنچه بطریق تعصّب و حمایت بود پیغمبر - علیه السلام - را نگاه دارند. ۷۸

پس هاشمیان جز ابی لهب و مطلبیان همگی به ابی طالب پیوسته و در شِعْبِ او بر وی داخل شدند و دو یا سه سال آنجا ماندند. ۷۹

در بحارالانوار به نقل از خراج آمده است: قریش با یکدیگر متحد شده و بنی هاشم را به شِعْبِ ابی طالب راندند. ۸۰ ابن قسیم جوزی می نویسد: رسول خدا - ص - و همراهانشان در شبِ اوّل ماه محرم سال هفتم بعثت در شِعْبِ ابی طالب زندانی شدند... و در همین مکان ابوطالب قصیده معروف لامیه را سروده است. ۸۱

۵ - عباس بن عبدالمطلب.

۶ - عقیل بن ابی طالب.

۷ - طالب بن ابی طالب.

۸ - نوفل بن الحارث بن عبدالمطلب.

۹ - نوفل بن الحارث بن عبدالمطلب.

۱۰ - حارث بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب.

او با پیامبر - ص - خوب نبود و گاهی نیز رسول خدا - ص - را در اشعارش هجو می کرد، لیکن راضی به قتل آن حضرت نبود. ۷۳

۱۱ - خدیجه بنت خویلد. ۷۴

و... ۷۵

اکثر قریب به اتفاق مؤرخان و سیره نویسان مکانی که نبی اکرم - ص - و همراهانشان توسط افراد قریش محاصره گردیدند را شِعْبِ ابی طالب ذکر کرده اند که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می شود:

بنی هاشم و فرزندان مطلب بدنبال فشار قریش نزد ابوطالب رفته و - جز ابولهب - همگان به درّه ای که منسوب به ابوطالب و به شِعْبِ ابی طالب شهرت یافته بود، درآمدند. ۷۶

طبری می نویسد: از پی پیمان قریشیان، بنی هاشم و بنی المطلب به شِعْبِ ابوطالب رفتند و با وی فراهم شدند - به جز ابولهب

بنی هاشم هنگامی که قریشیان علیه آنان هم قسم شدند بدانجا پناه آوردند این شُعْبِ از آن عبدالمطلب بوده، سپس به خاطر ضعف بینایش آن را میان فرزندان تقسیم نمود و رسول خدا - ص - سهم پدر خویش را گرفت. منازل و محل سکونت بنی هاشم نیز در آن قرار داشته است.

مؤلف کتاب معجم الحجاز پس از نقل این مطلب می نویسد: این شُعْبِ سپس به شُعْبِ ابی طالب معروف گردیده و آن را شُعْبِ بنی هاشم نیز نامیده اند و هم اکنون به شُعْبِ علی شناخته می شود. این شُعْبِ در دهانه شمالی کوه ابوقبیس و بین این کوه و خندمه قرار دارد. ولادت رسول خدا - ص - در همین مکان بوده و حدود سیصد متر با مسجدالحرام فاصله دارد. اینک تبدیل به کتابخانه شده، و سپس در سال ۱۳۹۹ هجری قمری در طرح توسعه خیابان غزه از بین رفته است. ۸۷

رفاعه رافع الطهطاوی نیز شُعْبِ ابی طالب را جایگاه محاصره شدگان دانسته، می گوید: هاشمیان همه به ابی طالب در شُعْبِ او پناه آوردند. ۸۸

ابراهیم رفعت پاشا می نویسد: در طرف شرق منطقه قشاشیه، شُعْبِ علی یا شُعْبِ بنی هاشم قرار دارد... خانه خدیجه بنت

علامه امینی - قدس سره - می نویسد: بنو هاشم و بنوالمطلب به سوی ابی طالب آمده و همراه با او در شُعْبِ داخل شدند. ۸۲

ابوبکر احمد بن حسین بیهقی می نویسد: چون ابوطالب نیت ایشان را فهمید فرزندان عبدالمطلب را گرد آورد و دستور داد که پیامبر را در محله خود نگهداری کنند. ۸۳
محمد بن عمر بن واقد گوید: بنی هاشم شب اول محرم سال هفتم بعثت رسول خدا - ص - وارد درّه ابوطالب شد بنی مطلب هم همراه بنی هاشم در همان دره گرد آمدند. ۸۴

ابن اسحاق می نویسد: بنو هاشم و بنو مطلب به ابی طالب پناه آورده و در شُعْبِ او (یعنی ابی طالب) اجتماع کردند. ۸۵

مرحوم آیتی می نویسد:
... چون کار قریش به انجام رسید، «بنی هاشم» و «بنی مَطْلَب بن عبد مناف» به «ابوطالب» پیوستند و همگی - جز «ابولهب ابن عبدالمطلب» که با قریش همکاری داشت - همراه وی در «شُعْبِ ابی طالب» درآمدند. ۸۶

یاقوت گفته است: شُعْبِ ابی یوسف همان شعبی است که رسول خدا - ص - و

بخشی از خانه‌های نزدیک به شُعْبِ علی، و حتی قسمتی از خانه ابن یوسف متعلق به ابوطالب بوده است.

قسمتی دیگر از خانه ابن یوسف که محل تولد پیامبر - ص - است و اطراف آن متعلق به عبدالله پدر پیامبر - ص - بوده است.

بخش دیگری که خانه خالصه کنیز آزاد کرده خیزران است متعلق به عباس بوده است.

بخشی که خانه طلوع کنیز آزاد کرده زبیده در آن قرار دارد متعلق به مقوم پسر عبدالمطلب بوده است.^{۹۱}

ازرقی می‌نویسد: برخی از مردم مکه نیز می‌گویند دره‌ای که به آن دره ابن یوسف می‌گویند همه‌اش متعلق به هاشم بن عبدمناف بوده است. همانان می‌گویند: عبدالمطلب در زندگی خود همین که نور چشمش کم شد (نابینا گردید) سهم خود را میان پسرانش تقسیم کرد و به این جهت سهم عبدالله به پیامبر - ص - رسید. خانه‌ای که میان صفا و مروه است... و کنار خانه‌ای است که در دست جعفر بن سلیمان است. نیز متعلق به عباس بوده است. ستون و نشانه رنگینی که هر کس از مروه به صفا می‌آید از کنار آن سعی می‌کند، کنار خانه عباس

خویند یا محل ولادت فاطمه - ع - دختر رسول اکرم - ص - نیز آنجاست.^{۸۹}

کوه ابوقبیس

یکی از مشهورترین کوههای مکه، کوه ابوقبیس است. شُعْبِ علی یا شُعْبِ ابی طالب از این کوه آغاز و تا خندمه ادامه می‌یابد. می‌گویند: هنگامی که سیلاب مسجدالحرام را فراگرفت، حجرالاسود را در این کوه نهادند تا سالم بماند. جای آن در شُعْبِ علی، همانجایی بود که زادگاه رسول خدا - ص - است.

برخی از شعاب مکه

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد در شمال شرقی مسجدالحرام سه شُعْبِ وجود دارد که اسامی آنها عبارت است از:

۱ - شُعْبِ علی یا شُعْبِ ابی طالب که امروز آن را قشاشیه نیز می‌نامند.

۲ - شُعْبِ بنی هاشم که به آن غزه نیز می‌گویند.

۳ - شُعْبِ بنی عامر.

در این سه منطقه از زمان جاهلی به این طرف اجداد و نیاکان پیامبر - ص - و سپس فرزندان عبدالمطلب و ابی طالب و بنی هاشم می‌زیسته‌اند.^{۹۰}

نامیده می‌شود و در آن خانه‌های
عبدالمطلب بن هاشم و ابی طالب و عباس
ابن عبدالمطلب قرار دارد.^{۹۸}

خانه خدیجه بنت خویلد مادر مؤمنان
در مکه در کوچه معروف به کوچه «حجر»
که به آن «زقاق العطارین» (کوچه عطاران)
نیز می‌گویند قرار دارد. فاطمه - س - در
همین خانه متولد شده، از این رو به مولد
فاطمه - س - نیز معروف است.

و نیز آمده است: حضرت خدیجه - س -
در همان خانه وفات یافت و رسول
خدا - ص - تا زمان هجرت در آن سکونت
داشت، سپس عقیل ابن ابی طالب آن را
گرفت و...

آنگاه در این مکان مسجدی ساختند که
فضای سرپوشیده (رواق) هست که در آن
هفت طاق وجود دارد که روی هشت ستون
قرار گرفته است.

و در میانه دیواری که سوی قبله قرار
گرفته سه محراب است که در دو طرف آن
۲۶ سلسله (زنجیره) قرار دارد. در مقابل
آن نیز چهار طاق بر ۵ ستون هست که بین
این دو رواق صحنی واقع شده و رواق دوم
از رواق قبلی کوچکتر است؛ زیرا در
نزدیکی آن برخی از مکانهایی است که
مردم برای زیارت آن خانه، به آنجا

است. برخی هم پنداشته‌اند که این خانه از
آن هاشم بن عبدمناف بوده است.^{۹۲}

خانه ام هانی دختر ابوطالب نیز در کنار
گندم فروش‌ها و کنار مناره است، که در
توسعه دوم مهدی عباسی - در سال ۱۶۷
هجری - ضمیمه مسجدالحرام شده
است.^{۹۳}

عقیل بن ابی طالب خانه‌ای را که پیامبر
در آن متولد شد، گرفت و تصرف کرد و
معتب بن ابی لهب که نزدیک‌ترین همسایه
پیامبر - ص - بود خانه خدیجه را تصرف
کرد و بعدها به صد هزار درهم به معاویه
فروخت.^{۹۴}

عباس بن عبدالمطلب نیز خانه‌ای بین
صفا و مروه داشته است.^{۹۵}

فاصله خانه عباس بن عبدالمطلب تا
مسجدالحرام کمی بیشتر از ۳۶ ذرع بوده
است.^{۹۶}

عبدالمطلب نیز نزدیک چاه زمزم خانه
داشته است، شُعْبِ و خانه ابن یوسف نیز از
آن ابی طالب بوده است.^{۹۷}

احمد سباعی می‌نویسد: در سوق اللیل
خانه‌ای است که «مال‌الله» نامیده می‌شود و
در آن به مریض‌ها کمک کرده به آنها غذا
می‌دهند، نزدیک این خانه شُعْبِ ابن
یوسف قرار دارد که اینک شُعْبِ علی

موجود در خانه‌ها وجود داشته است و گرنه چگونه ممکن است در یک منطقه خشک پر از سنگلاخ و بدون سایبان آنهم در آفتاب سوزان مکه، مدت سه سال دوام آورد و زنده ماند؟!.

ثالثاً: منطقه‌ای که هم اینک قبرستان ابی طالب نامیده می‌شود در دوره جاهلی نیز قبرستان بوده، و نمی‌توان گفت رسول خدا - ص - به همراه ابی طالب و تعدادی زن و کودک، تمامی مناطق موجود در مکه را رها ساخته، به قبرستان پناه آورند!

رابعاً: حجون - همانگونه که گذشت - خارج از مکه بوده و این با نقلهایی که می‌گوید: صدای ضجّه و شیون کودکان از بیرون شعب شنیده می‌شد، سازگاری ندارد.

خامساً: در پاره‌ای نقل‌ها آمده است که گاهی شرایط به اندازه‌ای سخت می‌شد که محاصره شدگان بناچار از گیاهان و برگ درختان برای رفع گرسنگی استفاده می‌کردند.^{۱۰۰}

در حالی که در قبرستان آن روز آنهم خارج از مکه گیاه و درختی وجود نداشته، تا محاصره شدگان از آن استفاده نمایند.

سادساً: براساس آنچه از رقی نقل کرده، معلوم می‌شود حتی تا سال دهم هجرت

می‌آیند و آن سه مکان عبارتند از:

۱ - مکانی که گفته می‌شود محلّ ولادت حضرت فاطمه - س - است.

۲ - مکانی که به آن «قبة الوحی» گفته می‌شود و چسبیده به مکان ولادت حضرت فاطمه - س - است.

۳ - مکانی که به آن «مختبی» گویند که کنار قبة الوحی است [و آن جایی است که رسول خدا - ص - مخفیانه مردم را به اسلام دعوت می‌نمود] برخی نیز گفته‌اند برای مصون ماندن از سنگ‌پرانی مشرکان، پیامبر - ص - در آنجا مخفی می‌شد...^{۹۹}

کوتاه سخن آنکه:

- علاوه بر آنچه گذشت - در نقشه‌های موجود در حجاز (قدیم و جدید) دقیقاً محل شعب علی و شعب بنی هاشم، و شعب بنی عامر، در نزدیکی مسجدالحرام مشخص گردیده و هیچکس قبرستان ابی طالب که در شعب ابی ذبّ واقع شده را، شعب ابی طالب نام ننهاده است. بنابراین وجود شعب در آن مکان با آن همه دلائل و قرائن و شواهد روشن، کاملاً قابل توجیه است. زیرا اولاً آن منطقه محل سکونت این خاندان بوده است. ثانیاً امکان زیستن و استفاده از ذخائر غذایی و امکانات

بودند و از آنجا به مسجدالحرام می آمدند، همچنین سعید بن محمد بن جبیر بن مطعم از قول پدر بزرگش نقل می کند که گفته است پیامبر - ص - را در فتح مکه دیدم که در حجون داخل خیمه ای زندگی می کردند و برای هر نماز به مسجد می آمدند. ۱۰۱

از آنچه گذشت به خوبی روشن می شود که شعب ابی طالب در مکانی غیر از قبرستان ابوطالب قرار داشته، و چنین اشتباهی از چه زمان و براساس چه دلیل و مدرکی رخ داده، معلوم نیست.

تنها کسی که احتمال داده شعب ابی طالب در منطقه حجون قرار گرفته، حلبی است وی پس از بیان محل ولادت رسول خدا - ص - می گوید:

آنچه در پیش آمده منافاتی با اینکه شعب ابی طالب که خود از بنی هاشم بوده، در کنار حجون قرار داشته، ندارد؛ زیرا امکان دارد ابی طالب به تنهایی در این شعب زندگی می کرده است. والله اعلم ۱۰۲ لیکن دلیلی بر صحت این نقل وجود نداشته، و شاید از کلمه «والله اعلم» حلبی بتوان فهمید که وی نیز به صحت آن اطمینان نداشته است.

بنابراین سیر طبیعی جریان، بدین شکل بوده که وقتی ابی طالب، بنی هاشم و

(حَجَّةُ الْوِدَاع) هنوز در منطقه حجون کسی سکونت نداشته، و این منطقه تا چند قرن، خارج از شهر مکه بوده است.

سابعاً: این قسمت از مکه، اساساً منطقه مسکونی نبوده، و خانه و کاشانه ای در آن وجود نداشته، به شکلی که پس از چند سال رسول خدا - ص - برای توقف چند روزه در آن، از خیمه استفاده فرمودند.

ابوالوالید می گوید: پیامبر - ص - پس از هجرت به مدینه، دیگر وارد خانه های مکه نشدند و در سفرهای مکه هرگاه طواف ایشان تمام می شد به منطقه بالای مکه می رفتند و آنجا خیمه هایی برای ایشان زده می شد.

عطاء نیز می گوید: آن حضرت در سفر حجة الوداع پیش از رفتن به عرفات و قبل از حرکت از مکه همچنان در منطقه بالای مکه بودند.

وی سپس می افزاید که: روز فتح مکه به پیامبر - ص - گفته شد آیا در منزل خودتان در مکه فرود نمی آید؟ فرمودند مگر عقیل برای ما خانه ای باقی گذاشته است، به پیامبر - ص - گفته شد: در خانه ای دیگر غیر از خانه خودتان منزل کنید، نپذیرفته و فرمودند: در خانه ها منزل نمی کنم و در همان بالای مکه در حجون داخل خیمه ای

شخص رسول اکرم - ص - پردازند. و آنگاه که محاصره خاتمه یافت بنی هاشم و بنو مطلب از شِعْبِ خَارِج و به خانه‌های خویش رفته و دیگر به شِعْبِ ابی طالب مراجعت ننمودند. متون تاریخی مؤید این معناست و این نکته‌ای است که برخی به آن توجه نداشته‌اند.

پایان

بنوالمطلب از سوی دشمن در معرض خطر جدی قرار می‌گیرند برای ایجاد یک دژ محکم و جبهه قوی در برابر آنان، همگی اطراف ابی طالب که چهره‌ای سرشناس و انسانی نیرومند بوده گرد آمده و در یک مکان به نام شِعْبِ ابی طالب اجتماع کنند و با ایجاد پست‌های نگهبانی و استفاده از تاکتیکهای مختلف به دفاع از خویش و

پاورقی‌ها:

۱. فقه العبادات (الحج)، ص ۲۰۵.
۲. ترجمه اخبار مکه ازرقی، ص ۵۲۰، تهران ۱۳۶۸.
۳. همان، ص ۴۷۰.
۴. ابودب کنیه مردی از بنی سوازه بن عامر است که چون ساکن آن دره بوده بنام او مشهور شده است. ازرقی ص ۴۷۱، معجم معالم الحجاز، ص ۵۶.
۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۲۷۰، چاپ مصر - دارالمعارف - قاهره.
۶. جوهری / صحاح، ج ۱، ص ۱۵۶، بیروت، ۱۴۰۴ ه.ق.
۷. طریحی / مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۱۳، تهران - ۱۴۰۸ ه.ق.
۸. دکتر معین / فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۰۴۷، تهران ۱۳۶۰ ه.ش.
۹. محلّ این سه شعب در نقشه پیوست، دقیقاً ترسیم شده است.
۱۰. طریحی / مجمع البحرین ج ۲ ص ۵۱۳.
۱۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۴۷.
۱۲. مجلسی / مرآة العقول، ج ۵، ۱۷۴ دارالکتب الاسلامیه - تهران ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۳. خیزران دختر عطاء زن مهدی عباسی و مادر هادی و رشید امت. وی در سال ۱۷۲ یا ۱۷۳ هدر زمان خلافت فرزندش هارون الرشید وفات یافت. شذرات الذهب - ۲۸۰/۱، اعلام النساء للكحاله / ۳۹۵ - ۴۰۱.
۱۴. ترجمه تاریخ ازرقی، ص ۴۶۱.
۱۵. ترجمه تاریخ ازرقی، ص ۴۶۱.
۱۶. اخبار مکه، فاکهیی، ص ۲۶۴، مکه المکرمه ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۷. همان.
۱۸. همان.

١٩. همان، ص ٢٦٦.
٢٠. همان، ص ٢٦٧.
٢١. اتحاف الوری باخبار امّ القرى جزء اول، ص ١٥. جامعه ام القرى ١٤١٠ هـ.ق.
٢٢. كافي، ج ١، ص ٤٣٩. بيروت ١٤٠١ هـ.ق.
٢٣. كافي، ج ١، ص ٤٤٠.
٢٤. الوافي بالوفيات، ٥: ٢٤٢.
٢٥. اعيان الشيعة، ج ١، ص ٢١٩. دارالتعارف، بيروت.
٢٦. عقد الثمين، ج ١، ص ٢١٩. بيروت ١٤٠٦ هـ.ق.
٢٧. عقد الثمين، ج ١، ص ٢٢٠.
٢٨. السيرة الحلبية، ج ١، ص ٦٢، داراحياء التراث العربي، بيروت.
٢٩. همان، ص ٦٦.
٣٠. همان.
٣١. همان.
٣٢. همان.
٣٣. همان.
٣٤. مروج الذهب، ج ٢، ص ٢٧٤، بيروت ١٣٨٥ هـ.ق.
٣٥. همان مدرک، ص ٢٨٧.
٣٦. كامل ابن اثير، ج ١، ص ٢٩٤، بيروت ١٤٠٨ هـ.ق.
٣٧. تاريخ طبرى، ج ٢، ص ١٢٥، دارالفكر، بيروت.
٣٨. شفاء الغرام، ج ١، ص ٢٦٩، دارالكتب العلميه بيروت.
٣٩. التاريخ القويم، ص ٦٣.
٤٠. التاريخ القويم، جزء اول، ص ٦٧.
٤١. سيره ابن هشام، ج ١، ص ١٦٧، مصر ١٣٧٥ هـ.ق.
٤٢. سيرة ساكن الحجاز، سيد رفاعه رافع الطهطاوى، چاپ مكتبة الآداب مصر، ج ١، ص ٦.
٤٣. التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم، ص ٦٧، مكة مكرمه، ١٣٨٥ هـ.ق.
٤٤. الوافي بالوفيات، ٥: ٢٤٢، چاپ بيروت.
٤٥. اتحاف الوری باخبار امّ القرى، ص ٤٨، جزء اول.
٤٦. فضائل مكة، ص ٢٣٢. دار مكة ١٤١٠ هـ.ق.
٤٧. السيرة الحلبية، ج ١، ص ٥٧.
٤٨. فى رحاب بيت الله الحرام، ص ٢٦٢.
٤٩. همان.
٥٠. همان، ص ٢٦٣.
٥١. همان.
٥٢. سيره ابن هشام، ج ١، ص ٣٧٥. سيرة الحلبية، ج ١، ص ٣٦٦.
٥٣. اعيان الشيعة، ج ١، ص ٢٣٥.
٥٤. بحار الانوار، ج ١٩، ص ١٨. بيروت ١٤٠٣ هـ.ق.
٥٥. اتحاف الوری باخبار ام القرى، ص ٢٨٤.
٥٦. التاريخ القويم مكة و بيت الله الكريم، جزء اول، ص ٩٥.
٥٧. بحار، ج ١٩، ص ١. چاپ بيروت.
٥٨. طبقات ابن سعد، ج ١، ص ٢٠٩. دارصادر. بيروت.

۵۹. کامل، ج ۱، ص ۵۰۵. چاپ بیروت
۶۰. الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۱۰۹. قم ۱۴۰۰ هـ. ق.
۶۱. اعلام الوری، ص ۵۹. چاپ بیروت
۶۲. همان، ص ۶۰.
۶۳. همان.
۶۴. همان.
۶۵. همان، ص ۶۱.
۶۶. الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۱۱۱.
۶۷. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۸۹. چاپ بیروت
۶۸. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۸. ترجمه نهاییه الارب، ج ۱، ص ۲۴۹. تهران ۱۳۶۴ هـ. ش.
۶۹. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۹، چاپ بیروت. وافی، ج ۳، ص ۷۰۰.
۷۰. نهاییه الارب، ج ۱، ص ۲۴۸.
۷۱. دلائل النبوه، ج ۲، ص ۶۸، تهران ۱۳۶۱ هـ. ق.
۷۲. التاريخ القويم، ص ۹۵.
۷۳. ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۵. داراحیاء الکتب العربیه ۱۳۷۸ هـ. ق.
۷۴. ابن ابی الحديد، ج ۱۴، ص ۵۹.
۷۵. ابن ابی الحديد ماجرای شیع را در ج ۱۴، ص ۵۸ به تفصیل بیان کرده است.
۷۶. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۵۲.
۷۷. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۵.
۷۸. سیره رسول الله، ج ۱، ص ۳۴۱.
۷۹. عقد الثمین، ج ۱، ص ۲۳۰.
۸۰. بحار، ج ۱۹، ص ۱۶. چاپ بیروت
۸۱. زاد المعاد، ج ۲، ص ۴۶.
۸۲. الغدير، ج ۷، ص ۳۶۳. تهران ۱۳۶۶ هـ. ش.
۸۳. دلائل النبوه، ج ۲، ص ۶۵.
۸۴. طبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۰۹.
۸۵. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۷۶.
۸۶. تاریخ پیامبر اسلام، مرحوم آیتی، ص ۱۵۴. تهران ۱۳۶۶
۸۷. معجم معالم الحجاز، ص ۵۷. دار مکه
۸۸. سیره ساکن الحجاز، ج ۱، ص ۱۱۵.
۸۹. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۱۸۰، ۱۸۱. دارالمعرفه - بیروت
۹۰. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۱۸۱.
۹۱. ترجمه اخبار مکه ازرقی، ص ۴۸۷.
۹۲. ترجمه تاریخ مکه ازرقی، ص ۴۸۸.
۹۳. همان مدرک.
۹۴. ترجمه تاریخ مکه ازرقی، ص ۴۹۸.
۹۵. اخبار مکه فاکهی، ج ۳، ص ۲۷.
۹۶. اخبار مکه فاکهی، ج ۳، ص ۳۷۱.
۹۷. اخبار مکه فاکهی، ج ۳، ص ۲۶۳.
۹۸. تاریخ مکه، احمد سباعی، ص ۳۱. مکه المکرمه ۱۴۰۴ هـ. ق.
۹۹. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۷۲ - ۲۷۳. چاپ بیروت
۱۰۰. الغدير، ج ۷، ص ۳۶۳.
۱۰۱. ترجمه اخبار مکه ازرقی، ص ۴۳۰.
۱۰۲. السیره الحلیه، ج ۱، ص ۶۳. چاپ بیروت

